

روایت معاون رئیس جمهور مطرح کرد

تناقض نفی مذاکره وانتظارات اقتصادی

آرمان ملی: کشور در شرایط خاصی قرار دارد و از هر زاویه به آن نگاه شود، نیاز به همبستگی واتحاد برای گذر از مشکلات احساس می‌شود. دشمنی آمریکا سهم قابل توجهی از مشکلات کشور را ایجاد کرده و چون قبلاً نشان داده که به هیچ پیمانی پایبند نیست، ارزش مقاومت بیشتر شده است. مقاومت در برابر زیاده خواهی آمریکا در نهایت به کشور برمی‌گردد. معاون رئیس جمهور در امور توسعه روستایی و مناطق محروم کشور در خصوص شرایط کشور اظهار داشت: امروز دولت و کشور با یک جنگ چند بعدی روبروست؛ هم ابعاد جنگ به مفهوم نظامی دارد و هم جنگ اقتصادی دارد و هم جنگ روانی به معنای طراحی ها یا فضا سازی ها علیه آن همبستگی ملی که وجود دارد. چه به لحاظ اقتصادی و چه فیزیکی و سرزمینی کشور در مخاطرات قرار داریم. خبرنگاران نوشت، عبد الکريم حسين زاده گفت: شرایط جنگی است و ما هم قبول می‌کنیم. حداقل حرف من که نیست، حرف رهبران و سیاستمداران آمریکاست که می‌گویند سخت‌ترین فشارهای اقتصادی دوران را بر ایران تحمیل کردیم و شرو عش کردیم. اما این همزمانی و این محدودیت‌های عدیده‌ای که در حوزه صادرات، واردات و مسائل دیگری که به وجود آمده، قاعدتاً دولت را با یک دولت در شرایط زیست عادی روبرو نکرده است.

وضعیت جنگی

حسین زاده گفت افزود: تجویز تشدید درگیری و نفی مذاکره به همراه بالا بردن انتظارات اقتصادی جامعه در شرایط جنگی یک تناقض بنیادین است. در کجای تاریخ وقتی کشوری در خاک و در مرزهای خود می‌جنگیده همزمان به پویایی اقتصادی هم رسیده؛ یک بخش مهم جنگ یعنی هزینه اقتصاد ای، چه از نظر مخارج خود جنگ و خسارات و چه عدم النفع فعالیت‌هایی که متوقف شده‌اند. این توجهم است که فکر کنیم در چنین شرایطی که هم جنگ وجود دارد و هم نوعی از محاصره، اقتصاد می‌تواند مانند شرایط عادی کار کند. کسانی که ادامه جنگ و نفی مذاکره را تجویز می‌کنند باید اینقدر هم مسئولیت پذیر باشند که به مردم بگویند آثار اقتصادی و معیشتی چیزی که توصیه کرده‌اند، چیست. وی در خصوص تفاهم‌نامه اسلام آباد بیان کرد: کاری به مخالفت‌ها و موافقت‌های داخلی نداشته باشیم. اگر این تفاهم‌نامه در مسیر منافع ملی ایران نبوده، چرا بخش اعظمی از سیاست وزران و سناتورهای آمریکا فرقی هم نمی‌کند، درباره آن چنین چیزهایی[مخالفت با تفاهم‌نامه] می‌گویند. مساله این نیست که قیمت دلار است. مساله این است که راه حل مابرای خروج از این وضع چیست؟ بجز رسیدن به یک توافق چه گزینه‌هایی داریم؟ منتقدان می‌گویند باید کماکان فقط بر حوزه میدان تکیه کنیم. خب؛ این طرف باید پرسید تا کجا ظرفیت این تکیه کردن وجود دارد؛ بی پایان دیدن توان و ظرفیت نظامی و پشتیبانی کشور و عدم توجه به واقعیت روی زمین می‌تواند مآرد مرعش موقعیتی خطرناکتر از مقطع پایانی جنگ ۸ ساله قرار دهد.

حمله به مسئولان؟

حسین زاده عنوان کرد: واقعاً نمی‌دانم. بعضی وقت‌ها یک سری موضع‌گیری‌ها و همزمانی‌ها در سیاست پیش می‌آید که برای خودم هم سوال است که چه اتفاقی افتاده است که کسانی که ضد ایرانی‌ترین آدم‌ها در آن طرف کره زمین و در آمریکا نشسته‌ند و هر روز نقشه‌نابودی ایران‌امی‌کنند، همسویی ایجاد می‌شود با نظر تاشان. وی در خصوص وقایع یک طرفه دولت بیان کرد: کسانی که الان در خط جلوی این مذاکرات هستند، چه آقای دکتر پزشکیان و چه آقای قالیباف و آقای عراقچی، اینها خائن به نظام نیستند. نگاه منتقدین این است که مصلحت نظام و منافع نظام به خطر می‌افتد، اینها آدم‌هایی نیستند که مصلحت نظام را به مخاطره بیندازند. دوم اینکه در هیچ سرزمین و هیچ کجای تاریخ دنیا پیدا نمی‌کنید دورانی را که همه کشور در ابعاد مختلف درگیر جنگ باشد و بعد به کسانی که مدیریت جنگ را بر عهده دارند، حمله کنند و تحت فشار قرار دهند و یا تخریب کنند. حداقلش این است که اگر گروهی چنین می‌کنند، گروه‌های مقابل آنها هم به همان اندازه تریبون و آزادی حقوقی دارند که بتوانند نظرات را اعلام کنند. مشکل اینجا گروهی که انتقاد می‌کنند نیست، مشکل منفعل کردن و از دور خارج کردن بخش بسیار بزرگتری از جامعه است که حرف متفاوتی می‌زنند. معاون رئیس جمهور اظهار کرد: من وفاق یک طره را هم قبول ندارم. از آقای طالب که در صحبت‌هایشان گفته بود «آمریکا باید به تفاهم نامه برگردد، تا خیلی‌های دیگر مانند خود آقای قالیباف حرف‌شان این است که تفاهم نامه خوبی بوده و بدعهدی از طرف ماصورت نگرفته است و طرف باید پای تعهدات خود بایستد؛ آنها معتقدند که اگر دشمن خواست مذاکره کند ما هم مذاکره کنیم و حق مان را بگیریم. وی تصریح کرد: بعضی از افراد فکر می‌کنم هنوز در دوران انتخابات مانده‌اند. یک نگرانی وجود دارد و آن این است که دولت سرمایه اجتماعی برای خود می‌سازد و وعده‌ای دوست ندارند این سرمایه اجتماعی برای دولت بازسازی شود و اینها نمی‌دانند این سرمایه اجتماعی برای کشور است نه دولت.

دوشنبه ۲۳ • ۱۴۰۵ ۲۲ ربيع الثاني ۱۴۴۸ / سپتامبر ۲۰۲۶

سال هشتم شماره ۲۴۷۳

آرمان ملی – حمید شجاعی: تخریب، حمله و هجمه به مسئولان جزء لاینفک اقدامات جریانی است که صرفاً خود و منوایش را حق می‌دانند و سایرین را باطل می‌شمارد. سخن در باب جریان خاص و تندرویی است که در مقاطع مختلف رویکردهای متفاوتی از خود بروز داده است. چه اینکه در مقاطعی اینها به دولت رفته‌اند و از آن طریق به کنش سیاسی پرداخته‌اند و در مقاطعی هم که در دولت حضور نداشته‌اند به تخریب دولت‌های مستقر پرداخته‌اند. همین امروز نیز با وجود انواع مشکلاتی که دولت و حاکمیت با آنها روبه‌رو است از مشکلات اقتصادی گرفته تا مساله تحریم، محاصره و... شاهدیم که این جریانات همچنان به تخریب و حمله علیه مسئولان به ویژه در دولت مشغولند و اساساً چیزی تحت عنوان انسجام اجتماعی و وحدت ملی را باور ندارند. نگاهی به تجمعات و توجه به حساسیتهای مطرح شده در آن نشانی

می‌دهد که از این تجمعات می‌شد به بهترین نحو برای افزایش انسجام و وحدت ملی استفاده کرده اما برخی سعی می‌کنند از هر وسیله‌ای برای تسویه حساب سیاسی استفاده کنند. سوال مهم این است که چرا سخنرانان و میهمانان این تجمعات از یک گرایش و طیف فکری خاص با نگرش‌های یکسان دعوت می‌شوند؟ مساله این است که برخی از این افراد متوجه نیستند که این تجمع برای حفظ وحدت است نه وحدت شکنی و از این رو مسئولان فعلی و سابق کشور را تخریب می‌کنند. جالب اینکه اخیراً یک فعال فضای مجازی در خصوص رئیس جمهور فقید ویدئویی را منتشر کرده بود که هر چند با شکایت بنیاد بین المللی ریسی مواجه شد، اما جریانات حامی این مسائل را به دولت چهاردهم پزششکیان مرتبط کردند. جایی که کیهان در مطلبی نوشته است: «بانیان مشکلات اقتصادی موجود و جریان ناکارآمد بعد از پخت و پز دلار ۲۲ هزار تومانی و ثبت رکوردهای بی سابقه‌ای در تورم برای پنهان سازی حشرات و ناکارآمدی خود پرچون بگیران اجاره‌ای را علیه الگوی درخشان و ۱۰۰۰ روزه شهید رئیسی به خط کرده‌اند». جالب اینکه در تناقضی آشکار از شورای اطلاع رسانی دولت خواسته شده در این خصوص پاسخگو باشد. این در حالی است که اگر مساله پاسخگویی در میان باشد تندروها و رسانههایشان باید پاسخگویی‌های

بسیاری درخصوص حمله و تخریب مسئولان فعلی و سابق کشور و خدشه به انسجام و وحدت ملی داشته باشند. آنچه مسلم است عملکرد هیچ دولتی صدرصد قابل دفاع نیست و انتقاد به عملکرد روسای جمهور و دولت‌ها نیز امر مذمومی نبوده و نیست؛ اما اینکه برخی صرفاً به دفاع از دولت مطبوع خود بپردازند و در مقابل به سایر دولت‌ها حمله کنند نه تنها فراقکتبی؛ بلکه بی‌اخلاقی سیاسی است.

تخریب رئیس قوه قضائیه؟

جریان حداقلی تندرو که افراد مطرح آن نه تنها دولت را مورد هجمه و تخریب قرار می‌دهند بلکه برخی انتقادات و اظهاراتی را که به دولت متبوعشان می‌شود نمی‌پذیرند و حتی اقدامات تامینی و قضایی علیه جریان خود را نیز برمی‌تابند. در همین راستا چندی پیش بود که رئیس قوه قضائیه در نشست صمیمانه و هم‌اندیشه با جمعی از فعالان، سخنرانان و دست‌اندرکاران جهاد خیابانی با تأکید بر اهمیت مضاعف رسیدگی به فساد کارگزاران، به موضوع محاکمه دو وزیر دولت سیزدهم اشاره کرد و گفت: «در قضیه دو وزیر محکوم در دولت سیزدهم باید تأکید کنم که آنها ترک فعل نکرده بودند بلکه مرتکب جرم شده و وزیر کشاورزی دولت مذکور در دو

«آرمان ملی» پشت پرده حملات به مسئولان را بررسی می‌کند

تندروها علیه وحدت ملی



پرونده متفاوت، مجرم شناخته شده بود. از‌های افزود: علی‌احمال، تأکید مؤکد آن است که ما در محاکمه و مجازات عناصر مجرم، تعارف و مماسات نداریم و هر کس در هر جایگاهی مرتکب جرم شود، وفق قانون با او برخورد خواهد شد؛ کما آنکه این نوع برخورد و رویکرد قانونی را با دولت فعلی، دولت‌های قبل و مجلسیان داشته و خواهیم داشت و هم‌اکنون نیز پرونده‌هایی در این زمینه وجود دارد». همین اظهارات رئیس‌استاد تاج‌الملک، روحانی‌عزیز، وزیر امور خارجه، در این زمینه وجود دارد». همین اظهارات کافی بود تا تندروها حملات خود را علیه رئیس دستگاه قضا نیز آغاز کنند و از‌های را مورد تخریب قرار دهند. چه اینکه راجانیز ارگان رسانه‌ای تندروها نوشت: «رئیس قوه قضائیه در اقدامی خلاف انسجام اجتماعی وحدت‌شکن، روایتی عجیب درباره پرونده چای دیش ارائه داد. این روایت نیز البته همچون سایر اطلاع‌رسانی‌های پیشین قوه قضائیه به جای معرفی عناصر اصلی و ردیف بالا، بر احکام دو وزیر دولت سیزدهم تمرکز داشت که متهمان ردیف ۱۸ و ۲۲ این پرونده بودند. از‌های در سخنان خود اظهار کرد که وزرای دولت سیزدهم ترک فعل نکرده بلکه مرتکب جرم شده بودند. اما این سخنان در حالی مطرح می‌شود که یک بررسی ساده نشان می‌دهد این گفته او با نص احکام صادرشده پرونده چای

«آرمان ملی» از تثبیت قدرت حوثی‌ها در باب‌المنذب گزارش می‌دهد

حوثی‌ها چگونه معادله جنگ را تغییر دادند؟

است. رویترز گزارش داده است که حملات پهنپادی اخیر موجب توقف خط لوله شده؛ خطی که حدود چهار میلیون بشکه در روز ظرفیت انتقال دارد. حلال‌رای نخستین بار می‌توان یک تصویر ژئوپلیتیک روشن دید که در آن ایران در شرق شبه جزیره عربستان هم‌راز در اختیار دارد و متحدان در غرب شبه جزیره باب‌المنذب را در دست دارد. در حالی که دونالد ترامپ تصور می‌کرد توانسته جلو تلاطم در بازار نفت را بگیرد، حالا با واقعیت میدان روبرو می‌شود. میدانی که نمی‌تواند‌آنطور که دوست دارد نفت را کنترل کند. ایران نشان داده که چه حرف قدری است.

امنیت منطقه

حالا واشنگتن می‌داند که تشدید فشار بر ایران می‌تواند به افزایش ناامنی در هرمز و باب‌المنذب، افزایش قیمت انرژی، تهدید مسیرهای دریایی و فشار بر متحدان آمریکا در منطقه منجر شود و هزینه تصمیم‌های نظامی واشنگتن افزایش خواهد یافت. برخی تحلیلگران اتفاقات یمن و پیشروی حوثی‌ها را در ارتباط مستقیم با جنگ ایران و آمریکا ارزیابی کرده‌اند. رویترز در گزارش خود درباره تصرف مخا، با احمدناجی، تحلیلگر مسائل یمن گفت‌وگو کرد. ناجی تأکید می‌کند که عملیات ساحل غربی چیزی نبوده که حوثی‌ها در چند روز یا چند هفته طراحی کرده باشند و نمی‌توان کل پیشروی را صرفاً دستور تهران دانست اما نمی‌توان منکر شد که ایران از این وضعیت تاچه اندازه خرسند است. باین حال وضعیت را باید همه جانبه دید. نخست آنکه حوثی‌ها یک بازیگر مستقل یمنی هستند. حمایت ایران از آنها به معای کنترل رفتار آنها نیست. دوم آنکه اگر باب‌المنذب برای مدت طولانی ناامن شود، فشار فقط بر عربستان یا آمریکا وارد نمی‌شود؛ اقتصاد جهانی و کشورهای منطقه نیز آسیب می‌بینند و ایران هم از افزایش هزینه تجارت، بیمه و حمل‌ونقل مصون نخواهد ماند. برخی معتقدند که تبدیل باب‌المنذب به یک جبهه دائمی می‌تواند کشورهای عربی را بیش از گذشته به همکاری امنیتی با آمریکا سوق دهد. این حرف در حالی مطرح شده که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در نشست مشترک با ایران قرار است وضعیت امنیت منطقه را بررسی کنند. معنای دیگر آن این است که کشورهای منطقه می‌دانند که ایران را نمی‌توانند در معادلات منطقه حذف کنند.

سیاست

گزارش

لحظه سرنوشت ساز جنگ ایران و آمریکا

پکن به میدان می‌آید؟

شی جین پینگ، رئیس جمهور چین، روز شنبه در سخنرانی خود در اجلاس کشورهای عضو گروه بریکس در دهلی نو، از این بلوک خواست تا در مناقشه خاورمیانه نقش میانجی صلح را ایفا کند. در این نشست شی اظهار داشت که چین در این زمینه با سایر اعضای بریکس همکاری خواهد کرد، زیرا این جنگ «با منافع مشترک جامعه جهانی همسو نیست». اکو ایران نوشت: رهبر چین این بلوک را «گروهی پیشرو» در «جنوب جهانی» و الگویی از خوداتکایی برای کشورهای نوظهور و در حال توسعه توصیف کرد که باید توسعه مبتنی بر نوآوری را ترویج کنند.

لحظه سرنوشت ساز

در واکنش به این سخنان، ولی نصر، استاد روابط بین الملل در دانشگاه جان هاپکینز، نوشت: «اکنون لحظه‌ای سرنوشت ساز است؛ چین سرانجام در قامت یک قدرت جهانی وارد عمل شده و کارت‌های خود را رو می‌کند. نتیجه این موضوع، معادلات خاورمیانه و روابط ایالات متحده و چین را دگرگون خواهد کرد». ترتیتا پارسی، معاون اجرایی موسسه کونینسی برای حکمرانی مسئولانه هم‌این‌گمانه را اظهار داشته که شاید تنها پکن قادر به پایان دادن به جنگ ایران باشد. پاریس با هشدار نسبت به احتمال بالای وقوع دور سوم جنگ –که به‌طور قطع بسیار شدیدتر از دو دور قبلی خواهد بود– معتقد است که با توجه به درک نادرست ترامپ از موازنه فعلی، شاید تنها برگ برنده دیپلماتیکی که بتواند از این فاجعه قریب الوقوع جلوگیری کند، تصمیم پکن برای مداخله و تحمیل یک راهکار برای حل و فصل مناقشه باشد. اکنون شی جین‌پینگ آمادگی چین را برای استفاده از نفوذ دیپلماتیک خود جهت کمک به پایان جنگ اعلام کرد. شی در اجلاس بریکس در دهلی نو گفت: «چین مایل است با دیگر اعضای بریکس همکاری کند تا در دستیابی به صلح و ثبات در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس نقش ایفا نماید». چین به‌طور سنتی از درگیر شدن در مناقشات سایر کشورها پرهیز می‌کند از جمله استفاده از وزن دیپلماتیک خود برای حل آن‌ها، حتی زمانی که منافع خود چین در ثبات منطقه، میانجی‌گری را توجیه می‌کند. پکن می‌خواهد هم از شرمساری ناشی از یک ابتکار دیپلماتیک ناموفق و هم از خطر پذیرفتن ناخواسته مسئولیت مناقشه‌ای که در غیر این صورت هیچ مسئولیتی در قبال آن ندارد، دوری کند. اما پکن ممکن است اکنون احساس کند که روند این جنگ به سمتی بیش می‌رود که دیگر نمی‌توان هزینه‌های آن را مهار کرد. در دوره‌های قبلی، دونالد ترامپ از عملی کردن تهدیدات علیه زیرساخت‌های حیاتی و صنعت نفت ایران خودداری کرده، زیرا می‌دانست که ایران به اهداف مشابهی در اسرائیل و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس پاسخ متقابل خواهد داد. در آن سناریو، به جای صرفاً یک مشکل گلوگاهی (محدودیت موقت)، به‌جای تولید انرژی پدید می‌آمد. چنین سناریویی کار را برای چین بسیار دشوار و شاید غیرممکن می‌کرد تا بتواند قیمت نفت را زیر ۱۰۰ دلار در هر بشکه نگه دارد و بدین ترتیب به جلوگیری از رکود جهانی کمک کند. تصمیم چین برای کاهش شدید تقاضای نفت، در نهایت یکی از دلایل اصلی این بود که دو دور پیشین این مناقشه، قیمت نفت را به سمت ۱۵۰ دلار در هر بشکه سوق نداد.

تغییر معادله پکن؟

به نوشته پاریس، با وجود این چالش‌ها، چین توانست تا حد زیادی خود را در برابر شوک انرژی ناشی از این مناقشه مصون نگه دارد و هم‌زمان از وقوع بحرانی بسیار عمیق‌تر برای سایر نقاط جهان جلوگیری کند. اما در صورت وقوع دور سوم درگیری، شواهد بسیاری حاکی از آن است که ترامپ تنش‌ها را به شدت تشدید خواهد کرد؛ امری که چین را در وضعیتی آسیب‌پذیر قرار می‌دهد و ممکن است تحلیل «هزینه-فایده» پکن را به نفع مداخله دیپلماتیک تغییر داده باشد. در این شرایط، چین ممکن است نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. میانجی‌گری اغلب پرخطر است و تقریباً همیشه بی‌قدرانی همراه است؛ کافی است به نحوه برخورد واشنگتن با قطر و عمان نگاه کنید، آن هم با وجود کمک‌های شایانی که آمریکا جی‌تی‌آپ به امنیت ملی ایالات متحده کرده است. اما هیچ‌کدام از این میانجی‌ها اهرم فشار قابل توجهی بر دو طرف درگیر یعنی ایالات متحده و ایران ندارند. اما چین چنین اهرمی را در اختیار دارد. و دقیقاً عادی اهرم فشار بود که به پکن کمک کرد تا توافق عادی سازد میان عربستان و ایران را به سرانجام برساند. عراق و عمان بخش عمده‌ای از فرایند دشوار و زمان‌بر میانجی‌گری را انجام داده بودند، اما عمق بی‌اعتمادی میان تهران و ریاض در نهایت نیازمند قدرتی بود که اهرم فشار کافی بر هر دو طرف داشته باشد تا آنها را به پایبندی به تعهداتشان وادارد؛ این همان عنصر حیاتی بود که چین به میدان آورد. هم تهران و هم ریاض به این نتیجه رسیدند که هیچ‌کدام نمی‌توانند به‌سادگی توافقی را که چین ضامن آن است نقض کنند، مگر آنکه بخواهند روابط خود با طرف مقابل را به خطر بیندازند. و از آنجا که چین برای هر دو طرف آن قدر اهمیت دارد که ریسک چنین گسستی را نپذیرند، نقش پکن به عنوان ضامن، نه تنها برای دستیابی به توافق، بلکه شاید مهم‌تر از آن برای تداوم و حفظ آن، نقشی حیاتی ایفا کرد. ایران نزدیک‌ترین شریک راهبردی پکن در خاورمیانه است، اما چین روابط اقتصادی‌ای نیز با کشورهای حوزه خلیج فارس دارد که هدف حملات ایران قرار گرفته‌اند. در اجلاس اخیر امنیت منطقه‌ای در قرقیزستان، شی و پزشکیان به جای برگزاری یک دیدار دو جانبه و مستقل، تنها دیداری کوتاه در حاشیه اجلاس داشتند.